نظمیه

پیشنهاد پلیس راهور به شرکت‌های بیمه برای کاهش تلفات رانندگی

رئیس پلیس راهور فراجا از شرکت‌های بیمه خواست با هزینه‌کردن درجهت کاهش تصادفات رانندگی، میزان پرداختی‌های خود برای جبران خسارات مالی-جانی تصادفات را کاهش دهند. سردار سیدکمال هادیانفرد در این باره به ایسنا گفت: تاکید زیادی داریم که همه دستگاه‌ها با تمام وجود و امکانات پای کار بیایند و معتقدم این اقدام تا حد زیادی انجام شده اما نیازمند منابع است، چراکه منابع ما مستهلک شده است. بیمه‌ها سالانه بیش از ۳۵ هزار میلیارد خسارت تصادفات را پرداخت می‌کنند که رقم بالایی است، اگر مثلا ۳۰ درصد آن را برای دستگاه‌هایی مانند اورژانس، هلال احمر، پلیس راهور و... که در کاهش تصادفات نقش دارند سرمایه‌گذاری کنند، در نهایت با پیشگیری از وقوع تصادفات میزان پرداختی خودشان نیز کاهش پیدا می‌کند. وی افزود: اعلام آمادگی می‌کنیم که بنشینیم و وقت بگذاریم و طرح مشترکی تعریف کنیم به جای این‌که بیمه ارقام زیادی را برای دیه فرد فوت شده، دیه مجروحان و... پرداخت کند، یک‌سوم آن را سرمایه‌گذاری کند، آن وقت ما به‌ازای یک‌سوم دیه هر فرد فوت شده که شرکت‌های بیمه پرداخت می‌کنند، می‌توانیم ۲۰ کشته کمتر بدهیم. بیمه‌ها با پرداخت یک‌سوم دیه یک فوتی در تصادفات دیه کامل حدود ۲۰ نفر را پرداخت نخواهند کرد، ولی نمی‌دانم چرا شرکت‌های بیمه این کار را که در واقع سرمایه‌گذاری برای خودشان و جامعه است، انجام نمی‌دهند.



انتقال نوزاد زنده به سردخانه بیمارستان

رسم قدیمی، راز زنده بودن این نوزاد را بعد از ۳ روز فاش کرد

در حادثه‌ای عجیب و در حالی‌که کادر درمان یکی از بیمارستان‌های منطقه شهریار در تهران تصور می‌کردند نوزاد زن باردار مرده به دنیا آمده و او را به سردخانه منتقل کرده بودند اما هوشیاری پدر نوزاد و پیگیری‌های یک مامور نیروی انتظامی باعث شد تا نوزاد زنده و سالم به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شود.

رضا خدایاری، پدر همان نوزادی است که مرده به دنیا آمده است. آن‌طور که پدرش توضیح می‌دهد، همسرش از زمان بارداری تا تولد نوزاد، هیچ مشکلی نداشت. همسر باردار او ۳۱ فروردین و در حالی‌که جنین او هنوز هفت ماه بود، برای وضع حمل به بیمارستان کمالی مراجعه کرد و پس از انجام آزمایش‌های معمول بارداری سلامت مادر و نوزاد تایید شد. ساعت ۴ صبح اول اردیبهشت مادر و پدر به بیمارستان امام سجاد(ع) مراجعه کردند و نوزاد با زایمان طبیعی متولد شد. همان لحظه کادر درمان نوزاد را به مادر نشان دادند و گفتند بچه سه روز است در شکم مادر فوت شده است.

پدر نوزاد که در خرم‌آباد بود، با شنیدن این خبر خود را به‌سرعت به بیمارستان رساند و درخواست ملاقات با همسرش را داد اما کادر بیمارستان به او اجازه این کار را ندادند.

پدر اما حس غریبی داشت و دلش می‌خواست طبق رسم و رسوم قدیمی‌شان اسم نوزاد مرده‌اش را در گوش او زمزمه کند. برای همین به سمت سردخانه رفت و از مسئول سردخانه خواست اجازه دهد این کار را انجام دهد. مسئول بیمارستان هم با حراست هماهنگی کرد و هر سه نفر به سمت سردخانه رفتند. نوزاد داخل یک کارتن بود و پدر در آن را باز کرد. پدر جوان این نوزاد می‌گوید: «وقتی کارتن را باز کردم نوزادم نفس می‌کشید.

نگهبان فکر می‌کرد توهم زده‌ام اما وقتی تکان خورد قبول کرد که زنده است. نگهبان موضوع را به سوپروایزر خبر داد اما او گفت امکان ندارد و بچه سه روز است که مرده است. با یکی از ماموران نیروی انتظامی وارد سردخانه شدیم و دید فرزندم زنده است.»

سروان فرشاد امیرنژاد افسر کشیک نیروی انتظامی مستقر در بیمارستان امام سجاد هم ماجرا را این‌طور روایت می‌کند: «شیفت کاری‌ام تازه شروع شده بود که پدر آن نوزاد نزد من آمد و گفت اینجا کسی به حرفم گوش نمی‌دهد.



به من گفته‌اند بچه‌ام مرده است اما وقتی برای آخرین بار رفتم او را ببینم متوجه شدم زنده است و تکان می‌خورد. به هرکسی می‌گویم هیچ‌کس به حرفم اهمیت نمی‌دهد و فکر می‌کنند توهم زده‌ام. همان لحظه موضوع را پیگیر شد و به سوپروایزر خبر دادم. کادر درمان گفتند پدر نوزاد توهم دارد اما دلم آرام نگرفت و بعد از گرفتن کلید سردخانه تک‌تک یخچال‌ها را باز کردم. در ادامه یک کارتن کوچک را باز کردم که بچه‌ای داخل آن بود، دیدم تکان می‌خورد و نفس کشید. به سرعت پارچه‌ای دور او پیچیدم و دنبال سوپروایزر رفتم. در ادامه به یکی از پرستاران بخش زایمان گفتم این بچه زنده است، اما شما او را به سردخانه برده بودید. سپس با یکی از پرستاران به سردخانه رفتیم و او دید بچه زنده است و به بخش مراقبت‌های ویژه نوزاد منتقل شد.»

به گزارش تسنیم، این ماجرا اما پیامدهایی هم داشت و صبح روز شنبه و به دستور رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران، علیرضا مرعشی، رئیس بیمارستان امام سجاد شهریار به‌دلیل سوءعملکرد و بی‌توجهی وی در احیای نوزاد از مسئولیت خود برکنار شد.

جزئیات قتل پسر دانش‌آموز

معصومه ملکی
گروه حوادث

راننده سرویس مدرسه که پسر ۷ ساله‌ای را ربوده و با انداختن در قنات متروکه باعث مرگ وی شده بود، صحنه قتل او را بازسازی کرد. این در حالی است که او در برابر انگیزه قتل سکوت کرده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ابراهیم هفت ساله که در کلاس اول دبستان درس می‌خواند ظهر دوم اسفند سال گذشته، در محله بهشتی شهر سمنان ناپدید شد. با شکایت خانواده‌اش، راننده سرویس مدرسه در این ماجرا بازداشت شد و بعد از چند هفته اعتراف کرد که ابراهیم را داخل قناتی در حاشیه شهر انداخته و باعث مرگ وی شده است.

پس از این اعتراف، جست‌وجوها برای یافتن پسر دانش‌آموز آغاز شد و پنجم فروردین امسال لباس فرم مدرسه کودک در یکی از انشعاب‌های قنات قدیمی پیدا شد. اطراف محل پیدا شدن لباس خاکبرداری شد و سرانجام پیکر پسر بچه پیدا شد. با دستور روح ا...فراتی، بازپرس شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب شهر سمنان، متهم چند روز پیش در حضور تیم پلیس جنایی صحنه قتل را بازسازی کرد. قرارشد پزشکی قانونی علت اصلی مرگ کودک را مشخص کند.

پدر ابراهیم در این باره به خبرنگار جام‌جم گفت: دو سالی می‌شد برای دختر ۱۱ ساله‌ام سرویس مدرسه گرفته بودیم و به راننده سرویس اطمینان داشتیم. گاهی نیز پسرم با آنها به مدرسه می‌رفت.



عصر دوم اسفند سال گذشته که خواهرش آمد، فهمیدیم راننده سراغ‌شان نرفته است. راهی مدرسه پسرم شدم. آنجا تعطیل شده و از ابراهیم خبری نبود. با همکلاسی‌هایش حرف زدیم و فهمیدم سوار پراید مشکی شده و رفته است. به راننده سرویس شک کرده و با او حرف زدم که مدعی شد از پسرم خبری ندارد.

بیمارستان‌ها و بهزیستی را جست‌وجو کردیم اما اثری از پسرم نبود. درادامه به پلیس آگاهی سمنان رفتیم و شکایت کردیم. حتی راننده خودش هم با ما به اداره پلیس آمد و پیگیر وضعیت پسرم بود. او روزهای بعد که دخترم را به مدرسه می‌برد درباره سرنوشت پسرم پرس‌وجو می‌کرد. تصویر ابراهیم را به در و دیوار شهر چسباندیم و برای یابنده مژدگانی در نظر گرفتیم. از سوی دیگر ماموران با بازبینی دوربین‌های شهری تصویری یافتند که نشان می‌داد پسرم با راننده سرویس از شهر خارج شده و راننده روز بعد تنها به شهر بازگشته است.

وی افزود: با کشف این سرنخ، راننده سرویس بازداشت شد و بعد از چند هفته اعتراف کرد و گفت پسرم را در نزدیک مدرسه‌اش دیده و او را ربوده و از شهر خارج کرده اما وقتی فهمیده خانواده به دنبال او هستند، ابراهیم را به داخل قنات قدیمی انداخته و به خانه‌اش بازگشته است. وقتی فهمیدیم او را به داخل قنات انداخته با آتش‌نشان‌ها، مقنی‌ها و ماموران آنجا رفتیم به امید این‌که ابراهیم زنده باشد. ابتدا لباس مدرسه‌اش و بعد جسد او را پیدا کردیم. این مرد خودش دختر و پسر دارد و پدر است چطور دلش آمده بچه‌ام را بکشد و داغدارمان کند.

تصویری از دانش‌آموز کشته شد و محل کشف جسد

قتل مرد نگهبان برای سرقت ۵ گوسفند

دو مرد که متهم هستند برای سرقت پنج گوسفند، نگهبان یک انبار را به قتل رسانده‌اند، در جلسه دادگاه منکر اتهام خود شدند. اولیای دم برای قاتل پدرشان درخواست قصاص کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از اواخر سال ۱۳۹۹ و با گزارش قتل نگهبان یک انبار در شهرستان پیشوا در استان تهران آغاز شد. تیم جنایی با حضور در محل متوجه شدند نگهبان ۶۰ ساله به نام سیفا... با اصابت جسم سخت به سرش، جان باخته است. صاحب انبار در تحقیقات گفت: «سیفا... مدتی بود به عنوان نگهبان در اینجا کار می‌کرد. چند روز قبل پنج گوسفند خریدم و به اینجا آوردم. از او خواستم از گوسفندان هم مراقبت کند و امروز وقتی برای سرکشی به انبار آمدم با جسد سیفا... روبه‌رو شدم. از گوسفندان هم خبری نبود.» با ادامه تحقیقات، مشخص شد یکی از کارگران به نام رامین گوسفندان را برای صاحب انبار خریداری کرده بود. این در حالی بود که صحنه قتل هم نشان داد قاتل به وضعیت انبار آشنا بوده است. رامین دستگیر شد و در تحقیقات به قتل اعتراف کرد و گفت: «چند روز قبل به درخواست صاحب‌کارم پنج گوسفند خریدم و به انبار بردم. می‌دانستم سیفا... آنجا تنهاست. به همین خاطر نقشه سرقت گوسفندان را کشیدم. شبانه با دوستم نعیم وارد انبار شده و قصد سرقت گوسفندان را داشتیم که نگهبان بیدار شد. با چوب چند ضربه به سرش زدم و بعد گوسفندان را سرقت کردیم.» با این اعترافات، نعیم هم دستگیر شد و به همدستی در قتل اعتراف کرد. با تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و متهمان در شعبه دهم دادگاه کیفری پای میز محاکمه قرار گرفتند. در ابتدای این جلسه فرزندان مقتول برای قاتل پدرشان درخواست قصاص کردند. پسر مقتول گفت: «پدرم به‌تازگی در این انبار استخدام شده بود. با رامین دوست بود. این مرد به پدرم خیانت کرد و او را بی‌رحمانه کشت. برای قاتل قصاص می‌خواهیم و رضایت نمی‌دهیم.» سپس رامین در جایگاه قرار گرفت و اتهام قتل را رد کرد و گفت: «به عنوان کارگر در انبار کار می‌کردم و با سیفا... رابطه دوستانه‌ای داشتم. من نه مرتکب قتل شدم و نه گوسفندان را سرقت کردم. وقتی دستگیر شدم، تحت فشار بازجویی اعتراف کردم و اتهامم را قبول ندارم.» نعیم هم اتهام معاونت در قتل را رد کرد و گفت: «من از نحوه کشتن سیفا... بی‌اطلاع هستم و نمی‌دانم چرا رامین مرا به عنوان همدست معرفی کرد.» پس از دفاعیات متهمان، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.



فرجام

۱۳ سال در برزخ قصاص یا بخشش



مرد اعدامی که همسایه‌اش را به قتل رسانده بود، پس از ۱۳ سال زندگی در برزخ قصاص یا بخشش از قضات درخواست کرد سرنوشت او را مشخص کنند. قرار است قضات اجرای احکام دادسرای جنایی برای بررسی این درخواست جلسه‌ای با اولیای دم برگزار کنند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه بیستم مرداد سال ۸۹، مردی با پلیس ۱۱۰ شهرستان شهریار در غرب استان تهران تماس گرفت و از کشف جمجمه و استخوان‌های انسان در چاه خانه‌اش در نصیرآباد شهریار خبر داد. با تحقیق از صاحبخانه معلوم شد حیاط خانه چند سال پیش موزاییک شده و سال ۸۳ نخستین مستاجر خانه که زوجی جوان بوده‌اند، پس از چند ماه سکونت، آنجا را تخلیه و رفته‌اند. آنها به‌عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفتند و چند روز بعد در قاسم‌آباد شهریار شناسایی شدند. مرد جوان اعتراف کرد که اسکلت متعلق به مرد راننده‌ای بوده که وی را کشته و در خانه اجاره‌ای دفن کرده است.

پرونده این زوج با صدور جلب به دادرسی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال و متهمان محاکمه شدند. خانواده مقتول همچنان قصاص می‌خواستند. همسر قاتل هم منکر همدستی با او بود. این در حالی بود که متهم به قتل در جلسه دادگاه در دفاع از خود گفت: مقتول راننده‌ای بود که در مسیر رباط‌کریم ـ شهریار کار می‌کرد. شب حادثه وقتی وارد حیاط خانه‌ام شدم، مشاهده کردم همسایه‌ها در حال مشاجره با همسرم هستند و مردی میانسال کنار آنها ایستاده و سیگار می‌کشد. ولی مردی که در محله‌مان راننده بود، همچنان در حیاط خانه کنار همسرم ایستاده بود و با او حرف می‌زد. عصبانی شدم و ابتدا به سوی همسرم حمله‌ور شده و او را کتک زدم که وی بیهوش شد و خفه‌اش کردند. وی افزود: جسدش را در دستشویی انداخته و از خانه خارج شدم که فهمیدم همسرم نیز خانه را ترک کرده است. از ترس این‌که همسرم به پلیس اطلاع دهد، قسمتی از حیاط خانه را که به فاضلاب منتهی می‌شد، حفر و جسد را در آنجا دفن کردم. خودروی مقتول را نیز در بلوار اصلی منتهی به رباط کریم رها کرده و به خانه بازگشتم و چند روز بعد آنجا را ترک کردیم متهم گناهکار شناخته شده و به قصاص محکوم شد. همسرش هم مدتی حبس گرفت. رای صادر شده به دیوان عالی کشور ارسال و حکم قصاص مرد زندانی تایید و برای اجرا، به اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد. مرد زندانی نامش در فهرست افراد اعدامی قرار گرفت و در این سال‌ها در بلاتکلیفی به سر می‌برد و در برزخ بخشش یا قصاص مانده است. با توجه به بلاتکلیف بودن مرد اعدامی گروه واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران وارد عمل شده و قرار است جلسه‌ای با خانواده راننده کشته شده برگزار کند تا شاید بتوانند رضایت آنها را جلب کنند و مرد اعدامی را از این بلاتکلیفی نجات دهند.

اتفاقیه

قتل یک عابر در درگیری گانگسترهای پایتخت

تیراندازی دو گروه از اوباش تهران به سمت یکدیگر، جان یک عابر را گرفت. تحقیقات برای دستگیری عاملان این تیراندازی ادامه دارد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲۳ اولین روز اردیبهشت امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و از تیراندازی مسلحانه دو گروه از اوباش در میدان ایثارگران محله شهرک ولیعصر(عج) و زخمی شدن پسری ۱۷ ساله در این ماجرا خبر داد. وقتی ماموران کلانتری شهرک ولیعصر(عج)، تهران به آنجا اعزام شدند معلوم شد پسری نوجوان به‌دلیل شدت خونریزی در بیمارستان جان باخته است. بنابراین مرگ او به محمدرضا صاحب‌جمعی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد و با دستور وی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات را در این رابطه آغاز کردند. در جریان تحقیقات اولیه پلیسی مشخص شد مقتول تبعه افغانستان بوده و با دوستش در خیابان در حرکت بودند که در اثر تیراندازی اوباش گانگستر در خیابان هدف قرار گرفته و بعد فوت شده است. دوست مقتول در تحقیقات گفت: مقتول دوستم بود و در کارگاه مبل‌سازی کار می‌کرد. آن شب بعد از پایان کارش او را دیدم و با هم راهی خانه شدیم که در میانه راه سرنشینان دو خودروی پژو ۲۰۶ و پژو ۴۰۵ که مسلح بودند به سمت هم تیراندازی کردند و در حال تعقیب‌وگریز یکدیگر بودند. سعی کردیم فرار کنیم و در تیررس آنها نباشیم اما نشد. ناگهان تیری به دوستم اصابت کرد و باعث مرگ وی شد و بعد مهاجمان فرار کردند. معلوم شد دو گروه از اراذل و اوباش با هم درگیر شده و مسلحانه در تعقیب هم بودند که پسر نوجوان را هدف تیراندازی خود قرار داده و به قتل رسانده‌اند. این در حالی بود که خانواده مقتول نیز شناسایی شدند و برای قاتل فراری درخواست قصاص کردند. هویت قاتل فراری یکی از اوباش منطقه شناسایی شده و وی و همدستانش تحت تعقیب پلیس جنایی پایتخت قرار گرفتند. پرونده این قتل در شعبه ششم بازپرسی دادسرای جنایی تهران در دست بررسی است.

عدلیه

راز سر به مهر جسد پتوپیچ



ماجرای انتقال جسد پتوپیچ از ساختمانی در شمال تهران با اعترافات جدید متهم پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد. قرار است پزشکی قانونی با بررسی علت مرگ، گره این پرونده را باز کند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، بیست‌ویکم فروردین امسال، امیر حسین علیمردان، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران پس از تماس ماموران کلانتری قائم پایتخت در جریان مرگ مشکوک مردی جوان در ساختمان مسکونی در شهرک قائم تهران قرار گرفت. زن همسایه و مرد نگهبان آنجا پسر یکی از همسایه‌ها را دیده بودند که جسدی را پتوپیچ شده در خودروی کوئیک خود انداخته و از ساختمان بیرون برده است. در ادامه متهم بازداشت شد و در تحقیقات اولیه مدعی شد مرد فوت شده کارگرشان بوده که براثر مصرف مواد فوت کرده و جسدش را در بیابان‌های پردیس دفن کرده است. پس از این تماس، جسد کشف و در تحقیقات بعدی معلوم شد، مرد فوت شده کارگر ساختمانی آنجا نبوده است. سرانجام دوروپیش نزد بازپرس کشیک دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در اعتراف‌های جدید خود گفت :از دوران دبیرستان از طریق همکلاسی‌ام معتاد به حشیش شدم. کم‌کم به مصرف هرویین و شیشه رو آوردم. با شهاب- مرد فوت شده - یک سال قبل در یک کمپ ترک اعتیاد آشنا شدم. از قزوین به تهران آمده و سه سال بود خانواده‌اش را ندیده بود. بعد از خروج از اکمپ سراغم آمد و دو روز خوشگذرانی کردیم. چون جایی برای ماندن نداشت او را به دفتر کار پدرم بردم. شب حادثه دو نفری شیشه و هرویین مصرف کردیم. او در دفتر ماند و من رفتم. روز بعد که بازگشتم مرده بود و از ترسم جسد پتو پیچ شده‌اش را در خودرو گذاشته و به بیابان‌های پردیس بردم و دفن کردم. پشیمانم و ای کاش همان موقع به پلیس زنگ می‌زدم. متهم از سوی بازپرس شعبه دهم دادسرای جنایی تهران در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.

کوتاه از حوادث

شهادت مامور مرزبانی در بسطام

یک مرزبان هنگام پایش و کنترل نوار مرزی بسطام سقز به شهادت رسید.

محمدعارف سپهری، فرمانده مرزبانی استان کردستان به فارس گفت: استواریکم سجاد قدمی از نیروهای مرزبانی بسطام هنگام ماموریت به‌دلیل واژگونی خودرو دچار حادثه شده به شهادت رسید.

کشف جسد نوزاد در سطل زباله

جسد نوزاد دختری در یک سطل زباله در جنوب تهران پیدا شد.

به گزارش جام‌جم، ساعت ۲ بعدازظهر شنبه دوم اردیبهشت امسال، مرد زباله‌گردی در حال جست‌وجو در میان زباله‌های سطح شهر تهران بود تا این‌که به سطل زباله‌ای پایین‌تر از خیابان وحدت اسلامی رسید. او با نزدیک‌شدن به سطل زباله و جست‌وجو در میان زباله‌ها ناگهان چشمانش به کیسه‌زباله‌ای افتاد و آن را بیرون آورد. وقتی کیسه را باز کرد با صحنه عجیبی روبه‌رو شد. داخل کیسه جسد یک نوزاد دختر چندروزه بود که هنوز بند ناف از او جدا نشده بود. با دیدن این صحنه کیسه را کنار سطل زباله گذاشت و درحالی‌که شوکه شده بود، با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت. در ادامه ماموران انتظامی با حضور در صحنه و دیدن جسد نوزاد دختر موضوع را به بازپرس محمدمهدی براعه، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع دادند. بازپرس جنایی و تیم تحقیق پلیس جنایی پایتخت در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد ساعت‌ها از مرگ نوزاد گذشته است. آثار خراش و جراحاتی روی پشت کمر و شکم نوزاد فوت شده وجود داشت که معلوم نبود براثر حمله حیوانات این آثار روی بدن او شکل گرفته یا براثر ضربه‌های چاقو بوده است. بنابراین جسد او به پزشکی قانونی منتقل شد تا کارشناسان پزشکی قانونی درباره مرگ و آثار جراحات روی بدن او اعلام نظر کنند. همچنین با دستور قضایی قرار شد که از همسایه‌ها تحقیق کنند تا شاید ردی از والدین نوزاد فوت‌شده پیدا شود. پرونده مرگ این نوزاد دختر در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران در دست بررسی است.

شنای آخر در استخر کشاورزی

پسر جوان که برای شنا وارد استخر کشاورزی در حوالی پارک سرخه‌حصار تهران شده بود، براثر غرق‌شدگی فوت کرد.

به گزارش جام‌جم، روز دوم اردیبهشت امسال مردی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و اعلام کرد جسد مردی ۲۶ساله را در استخر آب کشاورزی در اطراف بوستان سرخه‌حصار تهران یافته است. بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که در آنجا تابلوی شناممنوع و فنس قرار داشته تا کسی وارد استخر آب کشاورزی نشود اما اکنون فنس کنده شده است. موضوع کشف این جسد به محمدمهدی براعه، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران گزارش شد. با دستور او تحقیقات از مردی که جسد را یافته و به پلیس اطلاع داده بود آغاز شد. این مرد در جریان تحقیقات گفت: ساعاتی قبل از اطراف این محل می‌گذشتم که دیدم مردی جوان در آن حوالی پرسه می‌زند، توجهی نکرده و از محل دور شدم. بعد از دو ساعت که بازگشتم تا به خانه‌ام بروم ناگهان دیدم فنس کنده شده و فردی داخل آب افتاده است. سعی کردم او را از آب بیرون بیاورم که نشد و بعد به پلیس و آتش‌نشانی زنگ زدم. وی افزود: کنار فنس لباس‌های مرد جوان و گوشی تلفن همراهش قرار داشت. با آخرین نفری که با او حرف زده بود تماس گرفتم تا شاید ردی از خانواده‌اش پیدا کنم که مردی پاسخم را داد و گفت صاحب گوشی دوستش است. مشخصات محل حادثه را دادم و او همزمان با ماموران آمد. با آن مرد که حرف زدم گفت که با هم حرف زدند اما نمی‌دانسته که دوستش به اینجا آمده است. شواهد اولیه حکایت از حادثه غرق‌شدگی می‌دهد اما تحقیقات پلیس جنایی در این رابطه ادامه دارد.

عکاسی مرگبار از خورشید

مرد کوهنوردی که برای عکاسی از خورشید به ارتفاعات تیرکوه بیارجمند شاهرود صعود کرده بود، در اثر حادثه و فوت شد. علی عامریان، رئیس جمعیت هلال‌احمر شهرستان شاهرود استان سمنان به ایرنا گفت: این حادثه طی تماس تلفنی فردی ساعت هشت و ۴۶ دقیقه صبح دیروز به هلال احمر گزارش شد. وقتی نیروهای امدادی به آنجا رفتند جسد عکاس ۴۷ ساله را یافتند. معلوم شد او قصد داشته تا از خورشید عکاسی کند که پس از خالی شدن زیر پایش در اثر لغزندگی سنگ‌ها به دره سقوط کرده و فوت شده است.